

**Predigt am 13. Sonntag nach Trinitatis, 25.8.2024,  
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**3. Mose 19,1-3.13-18.33-34:**

خداوند همچنین به موسی فرمود که به بنی اسرائیل بگوید: «مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای 2- شما مقدس هستم»

به مادر و پدر خود احترام بگذارید و قانون روز سبت مرا اطاعت کنید، چون من خداوند، خدای شما 3 هستم.

مال کسی را غصب نکنید و به کسی ظلم ننمایید و مزد کارگران خود را به موقع بپردازید» 13

شخص کر را نفرین نکنید و پیش پای کور سنگ نیندازید. از من بترسید، زیرا من خداوند شما» 14 هستم.

هنگام قضاوت، از فقیر طرفداری بیجا نکنید و از ثروتمند ترسی نداشته باشید، بلکه همیشه» 15 قضاوتتان منصفانه باشد

سخن چینی نکنید و با پخش خبر دروغ باعث نشوید کسی به مرگ محکوم شود» 16

از کسی کینه به دل نگیرید، بلکه اختلاف خود را با او حل کنید مبادا به خاطر او مرتکب گناه» 17 شوید]1[

از همسایه خود انتقام نگیرید و از وی نفرت نداشته باشید بلکه او را چون جان خویش دوست بدارید 18 زیرا من خداوند، خدای شما هستم

با غریبانی که در سرزمین تو زندگی میکنند بدرفتاری مکن 33

با ایشان مانند سایر اهالی سرزمینت رفتار کن، زیرا نباید از یاد ببری که تو نیز خودت در سرزمین 34 مصر غریب و بیگانه بودی. من خداوند، خدای تو هستم

جامعه عزیز، از ابتدای پیدایش دنیا این سوال برای مردم به وجود آمده است: چگونه می توانیم طوری زندگی کنیم که زندگیمان موفق باشد؟ از زمان ارسطو، آنها از نظر علمی به تعیین ویژگی های اعمال خوب و بد و ارزیابی انگیزه ها و پیامدهای آنها پرداخته اند. این سوال که چگونه می توانیم به گونه ای زندگی کنیم که زندگی - مان موفق باشد، بر همه زمینه های زندگی ما تأثیر می گذارد. هر یک از ما باید هر روز به آنها پاسخ دهیم از مدیریت زمان گرفته تا رژیم غذایی، رفتار مصرف کننده، ورزش، استفاده از ماشین و وسایل حمل و نقل عمومی، اخلاق کاری و صداقت در تجارت، برخورد با یکدیگر و غیره. ما هزاران تصمیمات کوچک و بزرگ در انجامیگیریم عمدتاً کاملاً شهودی، بدون فکر زیاد، گاهی اوقات تقلا و تعمق، اغلب توسط باورهای، اساسی هدایت می شوند. البته، ما می دانیم که نمی توانیم همه را راضی کنیم - اگر تلاش کنید، نمی توانید از شکست خوردن جلوگیری کنید. اما ما می خواهیم آن را درست انجام دهیم. اما حق چیست؟ ما اغلب خود

مدتها قبل از ارسطو، خدا به کسانی که به او تعلق دارند یک دستورالعمل داد: "شما باید مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم" آیه 2. (اما این به چه معناست؟ من معمولاً "مقدس" را "تعلق به خدا" توصیف می

کنم. با این حال، این توضیح عمق کامل معنای کلمه را منعکس نمی کند. در این صورت، اصل راهنمای ما تنها این حقیقت خواهد بود که خدای مقدس متعلق به خودش است. بنابراین کلمه "مقدس" باید معنای بیشتری داشته باشد. این فقط هر کلمه ی پرهیزگاری نیست، بلکه تمام رازی که خداوند بر ما انسان ها نازل کرده در این کلمه نهفته است. منشا این کلمه در حال حاضر مرموز است. بیایید روشن کنیم که این در واقع است - "Kadosh" یک کلمه عبری است. کلمه "مقدس" فقط ترجمه آلمانی است. این کلمه در زبان عبری و "heilen" می شنویم که از "heil" بسیار بزرگتر و عالی تر به نظر می رسد! در حالی که از کلمه آلمانی را نمی توان از چیز دیگری مشتق کرد. این همیشه کلمه ای بوده است "kadosh" آمده است، کلمه "Heil" که به طور مرموزی خدا را به ذهن می آورد. کتاب مقدس فقط از آن برای خدا و چیزهای مربوط به خدا استفاده می کند. خداوند «کادوش» است و هر چه با او رفاقت دارد «کادوش» است. خدا از طریق موسی به قوم برگزیده خود اسرائیل گفت: «شما کادوش خواهید بود، زیرا من کادوش هستم. پطرس رسول این جمله را به مسیحیت تفسیر کرد»: «قدوس باشید، زیرا من مقدس هستم» (اول پطرس 1:16). (عیسی به شاگردان خود تعلیم داد): «کامل خواهید بود، همانطور که پدر شما که در آسمان است کامل است» (متی خداوند قدوس، کامل، کامل، الهی، نیک، حق، پاک است - همه اینها در این کلمه متعالی و اسرارآمیز. (5:48) «کادوش» موجود است. اما اینطور نیست که خداوند به عنوان معیار مطلق تقدس تابع این «کادوش» باشد. بلکه «کادوش» به این معناست که خود خدا معیار تقدس را تعیین می کند. خدا خودش تعیین می کند که چه چیزی کامل، خوب، درست، پاک و مقدس است. او مرز بین حق و باطل، بین خوب و بد، بین مقدس و نامقدس را ترسیم می کند. این در مورد هماهنگی درونی خود تعیین شده است، نظم درونی خداوند که به هر چیزی که با او هماهنگ است منتقل می شود. و نباید این هماهنگی و نظم درونی را زیر پا بگذاریم. بنابراین، "تقدس" اغلب به معنای "جدا کردن" است - با هدف محافظت از آنچه مقدس یا مقدس است.

یکی از مفسران توضیح می دهد: «مقدس شدن در اینجا به معنای تقلید مستقیم از خدا نیست، بلکه به معنای احترام به آنچه «قدیس» در جدایی از ما «تقدس» می کند، «مقدس نگه داشتن» و در نتیجه جدا کردن ما از انسانی است که هیچ چیز مقدسی ندارد».

آیا همه چیز هنوز خیلی تئوری است؟ مهم نیست، دستورالعمل "شما باید مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم" به طرق مختلف در سراسر فصل بیان شده است. اما قبل از اینکه به این موضوع با جزئیات بیشتری نگاه کنیم، می خواهم تأکید کنم که ما قبلاً مقدس هستیم یا حداقل مقدس شده ایم. البته این به معنای کاتولیک نیست که طبق آن مقدسین افرادی هستند که قبلاً رفتار خود را تا حد زیادی با اراده خدا تطبیق داده اند، یعنی به اصطلاح فوق پارسا هستند. ما از طریق غسل تعمید خود مقدس هستیم. خداوند ما را تقدیس کرد، پذیرفت، ما را وارد جامعه خود کرد و به تعبیری ما را شرافت بخشید. این رفتار ما نیست که جایگاه ما را در برابر خدا و مردم تعیین می کند، بلکه اعمال اوست. اما هدف این اقدام تضمین این است که ما با این وضعیت جدید به عنوان نجیب، تقدیس شده، به عنوان فرزندان خدا مطابقت داشته باشیم، که مقدس هستیم همانطور که او مقدس است. «این با این وعده مرتبط است که ما باید از این طریق زندگی» داشته باشیم.

این «مقدس بودن» دقیقاً چگونه باید باشد؟ با تکریم والدین شروع می شود. ما این را از فرمان چهارم می دانیم. عجیب است که این ابتدا در اینجا ذکر شده است. اما این چندان تعجب آور نیست. زیرا والدین برای فرزندان در کوچکی چیزی شبیه «نماینده خدا» هستند. با آموختن اینکه می توان به قول والدین تکیه کرد آنها به آنچه می گویند عمل می کنند، در کنارشان هستند و از آنها مراقبت می کنند، فرزندان نیز این اعتماد اساسی را که برای همزیستی ما با یکدیگر ضروری است، ایجاد می کنند. آخرین اما نه کم اهمیت، زیرا ایمان ما به خدا اساسی است.

در ادامه، در همان آیه، خداوند می‌افزاید: «تعطیلات من را نگه دارید، متن عبری در اینجا می‌گوید:» باز هم، این در درجه اول در مورد رابطه با خداست «ما قبلاً متوجه شده‌ایم که وقتی فقط از طریق یادداشت های متن با هم ارتباط برقرار می‌کنیم، چگونه روابط آسیب می‌بینند. در سمینارهای روی یخچال، ایمیل و پیام، ازدواج، ما در مورد "کار رابطه" صحبت می‌کنیم، که شامل وقت گذاشتن منظم برای مکالمات شخصی تبادلات داخلی و حفظ اجتماع با یکدیگر است - به عنوان مثال از طریق تجربیات مشترک زیبا. این را می‌توان به رابطه با خدا نیز منتقل کرد. همچنین اگر مکالمه خاموش شود و گاه به گاه به «بیا خداوند عیسی مهمان ما باش» کاهش یابد، خطر آسیب وجود دارد. حضور منظم در مراسم کلیسا در روزهای یکشنبه کمک بزرگی است. علیرغم تمام تجربیات نامطلوب با دیگران و با خودمان، ما دائماً از محبت خدا اطمینان داریم و حتی زمانی که او خود را در وعده غذایی خود به ما می‌دهد، می‌توانیم آن را به صورت فیزیکی تجربه کنیم. بنابراین یکشنبه یک وقفه شفافبخش در زندگی روزمره ما است، یک روز کنار گذاشته شده و "مقدس از این نظر، که درک آن به ما کمک می‌کند تا زندگی کنیم

هشدارهایی که در ادامه می‌آیند بدیهی هستند - حتی اگر تجربه ما اغلب کاملاً متفاوت باشد. ما می‌دانیم که اگر از این دست‌ورالعمل‌ها پیروی کنیم، زمین ما می‌تواند بهشت شود. با این حال، مسیرهای دیگر موفقیت در زندگی ما همیشه کوتاه‌تر، سریع‌تر و امیدوارکننده‌تر به نظر می‌رسد. ما اغلب اعتماد نداریم که خدا برای ما خوب است و نمی‌خواهد ما را با قوانین خود قلدری کند، بلکه می‌خواهد به ما کمک کند زندگی کنیم. و حتی با تمام نیت‌های خیر، معیار این احکام به نظر ما بسیار سختگیرانه و حتی غیرقابل تحقق می‌رسد.

چگونه می‌توانیم به گونه‌ای زندگی کنیم که زندگیمان موفق باشد؟ می‌توانم تمام این خواسته‌هایی را که در دو نکته خلاصه کنم: خدا را گرامی بدار و همسایه خود را دوست بدار. اما این هم پایان کار نیست. خود خواسته‌ها نمی‌توانند برآورده شوند. احکام خدا نمی‌توانند قدوسی را که از ما انسان‌ها می‌خواهند ایجاد کند.

پولس رسول به این موضوع بسیار پرداخته است - احتمالاً به این دلیل که او پیش از تغییر دین خود، همان‌طور که یک بار گزارش داده، خود "غیوری برای خدا" بود، یعنی کسی که همیشه احکام خدا را در اولویت قرار می‌داد. اما پس از اینکه پولس مسیحی شد، دریافت که اگرچه قانون خدا از مردم می‌خواهد که مقدس باشند، اما آنها را مقدس نمی‌کند. برعکس: شریعت او به نقص آنها اشاره می‌کند. و بنابراین پولس در فصل سوم رومیان می‌نویسد: «اما می‌دانیم که شریعت هر چه می‌گوید به کسانی که تحت شریعت هستند می‌گوید تا هر دهان بسته شود و تمام جهان در برابر خدا گناهکار باشند. زیرا با اعمال شریعت هیچ کس در حضور او عادل نخواهد بود. زیرا از طریق شریعت شناخت گناه حاصل می‌شود

اما به عنوان قدیسان، ما در موقعیت خوش‌شانسی قرار داریم که مجبور نیستیم دائماً اطمینان حاصل کنیم که تمام قوانین و مقررات را دقیقاً رعایت می‌کنیم تا بتوانیم تا حد امکان زندگی مقدسی داشته باشیم. آنچه بسیار مهم‌تر است این است که در هر چیزی محبت خدا را در نظر داشته باشیم، همان‌طور که از طریق هدیه زندگی عیسی به ما داده شده است، در غسل تعمید ما و هر بار که کلام او را می‌شنویم و اشتراک و برکت او را دریافت می‌کنیم. اینجاست که روح القدس در ما فعال می‌شود و اعتماد ما را به قدرت و عشق خدا تقویت می‌کند و به ما قدرت می‌دهد تا مطابق میل او زندگی کنیم - در احترام و عشق به خدا و روی آوردن به همسایگان. اینگونه باید زندگی کنیم و اینگونه است که زندگی ما موفق می‌شود - حتی پس از مرگ آمین